

به نام خدا و با سلام حضور تک تک مهمانان گرامی

خیر مقدم عرض می‌کنم خدمت استادان گرامی، یاران دیرین پدرم، دانشجویان گرامی و خانواده محترم و دوستان عزیز ایشان که در این محفل حضور دارند و با حضور گرم خود مایه شادی روان پدرم، دلگرمی من و تشویق دانشجویان هستند. همان‌گونه که می‌دانید ما اینجا جمع شده‌ایم که در ۸۱ امین سالروز تولد پدرم اولین مراسم اهدای جایزه‌ای که به نام او و از محل میراث وی پایه‌ریزی شده است برگزار نماییم.

رشته پدرم مهندسی عمران بود. شاید به نظر طبیعی‌تر می‌رسد که این جایزه به جای دانشجویان فیزیک به دانشجویان مهندسی عمران اهدا شود. ابتدا چنین قصدی داشتم اما به لحاظ اجرایی برای من ساده‌تر و عملی‌تر است که جایزه به دانشجویان فیزیک اهدا گردد. به علاوه من و پدرم در این نقطه هم‌نظر و همراهی بودیم که مرز بین علوم به خصوص علوم مهندسی و علم فیزیک مرزی تصنعی است. پدرم همیشه به دانشجویانش تاکید می‌کرد که شما به عنوان یک مهندس باید ریشه فیزیکی فرمول‌ها را درک کرده باشید و الا نشاید شما را مهندس خواندن.

به عقیده این جناب، در عالم نظر، ریاضی‌دانان و مهندسان از دو سو همسایگان دیوار به دیوار ما فیزیکدانان هستند. ما با دیگر دانشمندان نظیر شیمی‌دانان، پزشکان، زیست‌شناسان و... نیز هم محله‌ایم اما با این دو همسایه دیوار به دیواریم. در این زمستان سخت و قحطی دانش و یورش بی‌امان خرافات و جهل چه از نوع سنتی و نیمه سنتی‌اش و چه از نوع شبه علم و نیوایج آن، ما برای زنده ماندن و رشد نیازمند آن هستیم که با همسایه‌های خود به خصوص با همسایه‌های دیوار به دیوار خود بیش از اینها همراهی و همکاری کنیم. امیدوارم این جایزه به طور نمادین گویای این نظر باشد.

دومین نکته آن که بعد از تبادل نظر با هم‌سرم آقای دکتر شیخ‌جباری تصمیم گرفتیم که مقطع کارشناسی ارشد را برای اعطای جایزه در نظر بگیریم چرا که به عقیده ما در این مقطع است که هویت و شخصیت پژوهشی فرد شکل می‌گیرد. چه بسا دانشجویان ممتازی که در مقطع ورود به دوره کارشناسی بسیار توانمند ظاهر می‌شوند اما تا به کارشناسی ارشد می‌رسند به هزاران دلیل مختلف انگیزه خود را از دست می‌دهند. واقعیت امر را بخواهید من به درخشش آنی و یک شبه بعد از دوره کارشناسی ارشد هم باوری ندارم! در جامعه پدیده‌ای به نام نوکیسگی یا تازه به دوران رسیدگی پدیده‌ای بسیار آشنا و در عین حال منفور است. رفتارهای نابهنجار نوکیسگان همواره سبب انزجار فقیر و غنی می‌شود. در مقاطع بی‌ثباتی اقتصادی و فساد مالی نوکیسگان بیشتری سر بر می‌آورند. پدیده مشابه در جامعه فیزیک هم اتفاق افتاده است که من به آن "نورزومگی" می‌گویم. در سایه سیاست‌های غلط نظیر چندین برابر کردن بی‌رویه ظرفیت دکتری و یا اعمال معیارهای صرفاً کمی نظیر شمارش تعداد مقالات و ارجاعات، افرادی یک شبه لقب غیررسمی "ستاره فیزیک ایران" گرفته‌اند که متأسفانه تسلطی به ابتدایی‌ترین مفاهیم پایه‌ای فیزیک ندارند. و این ضعف جا به جا خود را نشان می‌دهد و مسئله‌ساز می‌شود.

اصرار من بر آن است که دانشجویانی را انتخاب نماییم که هم پایه علمی قوی‌ای دارند و هم انگیزه قوی برای کار پژوهشی در سطح جهانی. در توهم نبوغ به سر نمی‌برند. قصد ندارند چرخ را دوباره اختراع کنند. می‌دانند که هر چه قدر هم باهوش باشند در جامعه فیزیک جهانی افرادی که دست کم در جنبه‌هایی از آنها باهوش‌ترند فراوان بوده‌اند و هستند. بنابراین متواضعانه مقالات موجود در اصطلاحاً لیتزرچر را جدی می‌گیرند. این توهم را ندارند که آنچه به ذهنشان رسیده هرگز به ذهن هیچ بنی بشری نیامده. کم نبودند دانشجویان بسیار باهوش و با انگیزه ایرانی که حاضر بودند خود را وقف فیزیک کنند اما چون دید مناسب در مورد پژوهش فیزیک نداشتند و عموماً دچار پدیده "توهم نبوغ" یا "ذهن خود یگانه پنداری" بودند راه به جایی نبردند.

بعد از اعطای جایزه به این دو عزیز، به سخنرانی‌های آنها در مورد دیدگاهشان به امر پژوهش گوش فرا می‌دهیم. برای خود من بسیار جالب است که بدانم که دیدگاهشان چیست. از استادان گرامی حاضر دعوت می‌کنم که بعد از جلسه با دانشجویان در مورد دیدگاهشان به بحث و نقد بنشینند تا این دیدگاه که چراغ راهشان در آینده پژوهشی خواهد بود پخته‌تر و عمیق‌تر گردد. من در بیان دیدگاهشان اظهار نظری ننموده‌ام. اما قانونی گذاشته‌ام که در ابتدای سخنرانی از هیچ کدام از استادان دوره دانشگاهشان تشکر ننمایند و به جای آن از معلمان مدرسه‌شان نام ببرند و قدردانی نمایند. من پیشاپیش از استادان گرانقدر از این بابت عذر می‌خواهم. اما حتماً این استادان عزیز می‌دانند علت گذاشتن این قانون چیست. اگر اکنون این دو عزیز از روی سپاس و قدرشناسی نام چند تن از استادانشان را ببرند تا چند سال دیگر با توجه به فرهنگ ایرانی کل مراسم تحت‌الشعاع همین مسئله قدردانی‌ها خواهد رفت. به هیچ وجه نمی‌خواهم جایزه‌ای که به نام و یاد پدرم اهدا می‌شود به آفت تملق در جامعه ما دامن زند. مرحوم پدرم در همه عمر هیچ‌گاه نه تملق گفت و نه پذیرای تملق شد. بعد از درگذشت او بود که دانشجویان نسل‌های مختلف مراسم بزرگداشت متعددی برپا کردند. مراسم توسط دانشجویان سابق او برگزار می‌شد که خود اکنون یا خود استادانی بنام هستند و یا شرکت‌های ساختمانی پرآوازه ایران را بنا نهاده‌اند. در بزرگداشت‌ها آن چه که در مورد پدرم می‌گفتند با دقت مهندسی بیان می‌شد. کلمه‌ای گزافه‌گویی متداول در ایران در مورد درگذشتگان در مورد پدرم گفته نشد. صفات پدرم را به طور دقیق همچنان که بود بیان می‌کردند. نه یک کلمه کم و نه یک کلمه بیش. چنان که شیوه همیشگی خود پدرم بود! بسیار برایم تاثیرگذار بود که صاحبان شرکت‌هایی که پروژه‌های ساختمانی عظیم در جای جای ایران را اجرا کرده بودند (پروژه‌هایی که من گمان می‌کردم توسط شرکت‌های خارجی اجرا شده‌اند) خاطره تعریف می‌کردند که چگونه سر فلان پروژه خطیر ساختمانی در لحظه‌ای حساس و بحرانی فلان درسی که از پدرم سرکلاس آموخته بودند به کارشان آمده است.

به امید خدا وقتی این عزیزان که امروز برنده جایزه فرزانشان می‌شوند دانشمندی در سطح جهانی شدند به هنگام دریافت جوایز بین‌المللی متعدد از استادانشان یاد خواهند کرد و نام پرآوازه آنان را پرآوازه‌تر خواهند ساخت. همچنان که امروز از معلمان مدرسه خود نام می‌برند. به امید آن روز!